



۲۰۱۹/۰۵/۲۰



فردوس

تقابل ایران و امریکا به کجا می کشد؟

ایالات متحده فشار حد اکثری به ایران وارد کرده است. ایالات متحده گفته است که بیشتر از ۱۰۰ هزار نظامی امریکایی را به خلیج فارس می فرستد تا با تهدید احتمالی از سوی ایران به ایالات متحده مقابله نظامی کنند. از نظر ایالات متحده روی آوردن ایران به تولید جنگ افزار هسته ای یا حمله نظامی محدود گروه های طرفدار ایران به یکی از اهداف امریکایی، تهدید جدی است. گزارش شده است که اگر گروه های طرفدار تهران دست به حمله نظامی به یک هدف امریکایی بزنند یا ایران برای تولید یک جنگ افزار هسته ای تلاش کند، نظامیان امریکایی مستقر در خلیج فارس نیروهای ایرانی را هدف حمله نظامی قرار خواهند داد. فشار حداکثری واشنگتن به تهران با خبر اعزام ۱۰۰ هزار نیروی نظامی امریکا به خلیج فارس به اوجش رسیده است.

ایالات متحده فشارهای مالی، اقتصادی، روانی و دیپلماتیک را به صورت حد اکثری به تهران وارد کرده است تا ایران خواست های ایالات متحده را بپذیرد. خواست های ایالات متحده از تهران ۱۲ مورد است که باری وزیر خارجه ایالات متحده آن را توضیح داد. مهمترین این خواست ها دست برداشتن ایران از برنامه های هسته ای و راکت است. خروج نظامیان ایرانی از سوریه، پایان حمایت از گروه های شبه نظامی شیعه در خاور میانه و توقف تهدید اسرائیل، از جمله خواست های دیگر واشنگتن از تهران است.

واشنگتن گفته است که در مورد چگونگی عملیاتی کردن این خواست ها، حاضر است با تهران مذاکره کند. گزارش شده است که واشنگتن شماره تلفون ترمپ را هم به تهران فرستاده است تا ایرانی ها با او تماس بگیرند و زمان مذاکره را هماهنگ کنند. از این گزارش معلوم می شود که اگر تهران، به مذاکره با ایالات متحده در مورد خواست های واشنگتن از ایران، تن دهد، کاخ سفید حاضر است که در بالاترین سطح با تهران گفت و گو کند.

امریکا با صراحت گفته است که اگر تهران خواست های این کشور را به صورت کامل بپذیرد، نه تنها تحریم ها را برخواهد داشت، بلکه در راه عادی سازی روابط ایالات متحده و ایران هم، گام می بردارد، کمک های فنی، علمی و اقتصادی در اختیار ایران می گذارد و سفارتش را در تهران بازگشایی میکند.

از سال ۱۳۵۷ به این طرف سفارت ایالات متحده در تهران بسته است. در آن سال در ایران انقلاب شد و سلطنت جای خودش را به یک حکومت مذهبی انقلابی داد. حکومت کنونی ایران تشیع انقلابی را ایدئولوژی خودش قرار داده است. ایران علاوه بر اینکه تشیع انقلابی را به عنوان ایدئولوژی رسمی دولت می شمارد، مشروعیت انتخاباتی را هم قبول دارد. ریاست جمهوری، پارلمان و شورای محلی در ایران انتخابی است. تلفیق

مشروعیت انتخاباتی و مشروعیت مذهبی یکی از مشخصه های نظام حاکم بر ایران است. ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ به دلایل ایدئولوژیک و استراتژیک با ایالات متحده، اسرائیل، عربستان و ترکیه در افتاد.

ایران تمام نیروهای شبه نظامی شیعه را در منطقه مورد حمایت استراتژیک قرار داد و این شبه نظامیان را به کمر بند امنیتی خودش بدل کرد. اسرائیل و عربستان از این امر احساس خطر کردند/ می کنند. عربستان در پاسخ به این سیاست تهران و شاید برای ایجاد یک کمر بند محافظتی برای خودش، دست به حمایت از گروه های شبه نظامی سلفی در منطقه زد. در بسیاری از کشورهای منطقه حتا امروز هم جنگ نیابتی میان ایران و عربستان، به صورت گرم و سرد ادامه دارد.

آخرین شاه ایران که قبل از انقلاب ۱۳۵۷ بر آن کشور حاکم بود، متحد نیرومند ایالات متحده در خاور میانه شناخته می شد. اما نظام کنونی حاکم بر ایران نه تنها که متحد امریکا نیست، بلکه دشمن ایدئولوژیک و استراتژیک ایالات متحده خودش را معرفی می کند. یک ایران مجهز با جنگ افزارهای هسته ای برای ایالات متحده قابل قبول نیست. تمامی گروه های شیعه مذهب متحد تهران، خودشان را دشمنان ایالات متحده می دانند. اولین حمله انتحاری به نظامیان امریکایی را هم همین گروه ها در دهه ۸۰ میلادی در لبنان انجام دادند. به همین دلیل است که از یک ایران مجهز به جنگ افزارهای هسته ای ایالات متحده احساس خطر می کند.

اوباما در زمان حاکمیتش روش متفاوت با ترمپ درباره ایران داشت. اوباما به یک توافق هسته ای با تهران رسید که بر اساس آن، تهران فعالیت های هسته ای خود را محدود می کند و در مقابل واشنگتن تحریم ها را علیه ایران برمی دارد. از این توافق نیروهای دست راستی در امریکا و متحدان واشنگتن در خاورمیانه از جمله عربستان و اسرائیل راضی نبودند. با به قدرت رسیدن ترمپ و افزایش نقش نیروهای دست راستی در دستگاه دولت امریکا و نفوذگذاری اسرائیل و عربستان، ترمپ از توافق هسته ای زمان اوباما با تهران خارج شد و روش جدید در پیش گرفت. روش جدیدی که مورد تایید متحدان امریکا در خاورمیانه نیز است، اعمال فشار حداکثری به تهران به منظور کشاندن پای ایران به مذاکره مجدد با واشنگتن می باشد.

برخی از مقام های امریکایی از ضرورت تغییر رژیم در ایران صحبت می کنند، ولی روشن است که این سخنان بیشتر رجزخوانی است تا برنامه واقعی. ایالات متحده می داند که برنامه تغییر رژیم در ایران ناکام می ماند. همین حالا در ایران نه شورش گری است و نه یک جنبش انقلابی مخالف نظام در خیابان ها حضور دارد. از سال ۱۳۵۷ به این سو، نیروهای نظامی ایران، به رهبری دولت و فادار اند و دست به کودتای نظامی نزده اند و بسیار بعید است که در آینده دست به کودتا بزنند. جنبش سبز سال ۱۳۸۸ به رهبری میرحسین موسوی و مهدی کروبی و جنبش اصلاحات به رهبری محمد خاتمی رییس جمهور پیشین هم طرفدار براندازی قهری نیستند. آنها بیشتر به یک تحول آرام، خودجوش فکر می کنند. این جنبش ها می خواهند از طریق اصلاحات یک تحول خودجوش و آرام در ساختار قدرت در ایران صورت بگیرد و حکومت بیشتر دموکراتیک شود. بنا بر این در جایی که نه شورش گری باشد، نه انقلاب، نه کودتا، برنامه تغییر رژیم کار نمی دهد.

درست است که مخالفان نظام حاکم بر ایران در خارج از این کشور فعال اند، ولی این مخالفان هیچ ربطی با اوضاع داخل ایران ندارند و نمی توانند نقش متحد امریکا را در براندازی نظام حاکم بر ایران به عهده بگیرند. باور بسیاری ها این است که اگر جنگی هم بین امریکا و ایران در شرایط کنونی در بگیرد، محدود خواهد بود و امریکا به چند ضربه کاری بسنده خواهد کرد.

هدف اصلی و اعلامی فشارهای اقتصادی، سیاسی، روانی و حتا فشارهای نامتعارف امریکا علیه تهران، کشاندن پای رهبران ایران به مذاکره با امریکا برای پذیرش همان ۱۲ خواست واشنگتن از تهران است. اگر تهران به آن ۱۲ خواست در جریان یک مذاکره تن دهد، ایران از یک کشور مخالف و دشمن امریکا بدل به کشور دوست و متحد امریکا خواهد شد. اما اگر ایران به این خواست های امریکا تن ندهد، ایالات متحده هم فشارها را در سطح کنونی حفظ خواهد کرد. حتماً محاسبه ایالات متحده این است که اگر ایران به مذاکره هم حاضر نشود، زیر فشار تحریمها، تضعیف می شود و متحدان امریکا در منطقه احساس امنیت بیشتری می کنند. حتماً هیأت حاکمه ایران هم منتظر است تا انتخابات سال ۲۰۲۰ امریکا برگزار شود و ترمپ جای خودش را به یک شخص دیگر بدهد. اما اگر این اتفاق نیافتد روشن نیست که تهران زیر فشار تحریم ها چه موضع میگیرد.

